



۱۰۵

سال بیست و سوم

پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش

۱۴۰۳/۰۸/۲۶

صص: ۴۰-۱۱

شابا چاپ: ۶۱۲۱-۲۰۰۸

الکترونیکی: ۵۲۱۸-۲۶۴۵



فصلنامه مدیریت و پژوهش های دفاعی

ملاحظات حقوقی به کارگیری سلاح پهپاد در مقابله با تروریسم فرامرزی

سید کامران فتح‌اللهی^۱، سجاد فضل زرنندی^۲

چکیده

مبارزه با گروه‌های تروریستی فرامرزی امروزه دغدغه بسیاری از دولت‌های جهان است. اهمیت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که جمهوری اسلامی ایران نیز همواره در معرض تهدیدات تروریستی بوده است، مبارزه با تروریسم یکی از دغدغه‌های مهم آن است در این میان سلاح پهپاد به جهت برخورداری از ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد، به کرات در مبارزه با گروه‌های تروریستی استفاده شده است. در استفاده از تجهیزات و سلاح‌های نظامی، از جمله پهپاد، علیه اهداف تروریستی خارجی، از حیث حقوق بین‌الملل دو مسئله قابل طرح است. اول آنکه آیا از منظر حقوق بر جنگ امکان عملیات نظامی علیه مواضع گروه‌های تروریستی فرامرزی وجود دارد؟ ثانیاً در مبارزه با این گروه‌ها آیا سلاح پهپاد از منظر حقوق بشردوستانه، دارای معیارها و تناسب‌های لازم هست یا خیر؟ این مقاله با رویکرد ارائه پاسخ‌هایی عملیاتی و کاربردی و با روش تحلیلی-توصیفی سعی در ارائه راهکارهایی دارد که منطبق با حقوق بین‌الملل باشد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، مقاله حاضر به این نتایج رسیده است: ۱. تنها در صورتی که دولتی به واسطه گروه تروریستی حملاتی را علیه دولتی دیگر ترتیب دهد یا از گروهی تروریستی حمایت کرده و قلمروی خود را به پناهگاهی برای آن تبدیل کند، بر اساس قواعد شرعی و حقوقی، امکان دفاع مشروع در برابر آن گروه تروریستی، در خاک دولت خارجی، وجود دارد. در غیر این صورت مبارزه با تروریسم باید در سایه همکاری‌های قضائی-پلیسی بین‌المللی پیش رود. ۲. با توجه به ماهیت گروه‌های تروریستی، بهترین سلاح، از جهت مطابقت با اصول حقوق بشردوستانه، در مبارزه با گروه‌های تروریستی پهپاد است که جمهوری اسلامی ایران نیز در ساخت و استفاده از آن توانمند است.

کلید واژه‌ها: دفاع مشروع، تروریسم فرامرزی، پهپاد، حقوق بین‌الملل.

Dor: 20.1001.1.20086121.1403.23.105.1.0

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

بیان مسئله

مبارزه با گروه‌های تروریستی بین‌المللی امروزه یکی از دغدغه‌های مهم بسیاری از دولت‌ها در جامعه بین‌الملل است. مخصوص دولت‌هایی که مانند جمهوری اسلامی ایران، در طی سالیان هدف حملات خصمانه این گروه‌ها بوده‌اند. سلاح پهپاد به جهت برخورداری از ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد، به‌کرات در مبارزه با گروه‌های تروریستی استفاده شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز امروزه یکی از پیشروترین دولت‌ها در فناوری ساخت سلاح پهپاد است (رضایی و پرتو، ۱۴۰۲: ۳). در استفاده از تجهیزات و سلاح‌های نظامی، ازجمله پهپاد، علیه اهداف تروریستی خارجی، از حیث حقوق بین‌الملل^۱ دو مسئله قابل طرح است. اول آنکه آیا از منظر حقوق بر جنگ امکان عملیات نظامی علیه مواضع گروه‌های تروریستی فرامرزی وجود دارد؟ ثانیاً در مبارزه با این گروه‌ها آیا سلاح پهپاد از منظر حقوق بشردوستانه، دارای معیارها و تناسب‌های لازم هست یا خیر؟

مسئله اول به این دلیل به وجود می‌آید که این گروه‌ها به‌منظور یافتن پناهگاهی امن برای ساماندهی و اجرای عملیات‌های خود در قلمروی کشورهای دیگر و خارج از مرزها حضور دارند؛ بنابراین اقدام نظامی علیه‌شان با چالش‌های حقوقی‌ای مواجه است. چراکه طبق منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها باید از به‌کارگیری زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یکدیگر اجتناب کنند (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵، ماده ۲). از آنجاکه اقدام نظامی علیه این دسته گروه‌های تروریستی مستلزم نقض حریم سرزمینی کشور دیگر است، این پرسش به وجود می‌آید که آیا چنین عملی مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل، علی‌الخصوص منشور سازمان ملل متحد، است؟

زمانی که منشور ملل متحد در دهه ۴۰ میلادی تدوین شد، آنچه بیشتر از همه تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی بود، استفاده دولت‌ها از زور و نیروی نظامی علیه یکدیگر بود. از این‌رو بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بیان می‌دارد که: «تمام اعضا باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود اجتناب کنند...» (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵). با این وجود تنها دو استثناء در کاربرد زور در روابط بین‌المللی پذیرفته شد: اولاً در مقام دفاع مشروع و

۱. «حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه بین‌المللی است؛ یعنی مجموعه قواعد و مقرراتی که بر جامعه بین‌المللی حاکم است و در آن جامعه قابلیت اجرایی دارد؛ به عبارت دیگر، جامعه بین‌المللی تحت پوشش و سیطره یک سلسله قواعد حقوقی به نام «حقوق بین‌الملل» است و متعهد و ملتزم به رعایت و اجرای کامل آن‌ها است.» (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۳)

ثانیاً زمانی که شورای امنیت اجازه ای خاص در این مورد صادر کند (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵: ماده ۵۱). دیوان بین المللی دادگستری در آرای متعددی از جمله رأی مشهور به «نیکاراگوئه»^۱ (Nicaragua v. USA, 1986: para. 195) و همچنین نظر مشورتی «دیوار حائل»^۲ (Wall opinion, 2004: para. 139)، دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور را صرفاً ناظر به حملاتی می داند که از سوی دولتی خارجی انجام شود یا قابل انتساب به آن باشد. از این رو حملات انجام شده از سوی گروه های غیردولتی را موضوع این ماده نمی داند. حمله به قلمروی دولتی که حملات تروریستی از آن علیه دولتی دیگر انجام می شود و در عین حال مسئولیت و مشارکتی نیز در حملات آن گروه های تروریستی از خاک خود ندارد، نقض حریم سرزمینی آن دولت محسوب خواهد شد؛ عملی که به صراحت در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منع شده است.

پرسش اصلی ای که در اینجا پیش می آید آن است که چنانچه نظر دیوان بین المللی دادگستری پذیرفته شود چه راهکارهایی در حقوق بین الملل برای رویایی با گروه های تروریستی فرامرزی وجود خواهد داشت؟ آیا دولت های قربانی حملات تروریستی، از جمله جمهوری اسلامی ایران، باید در برابر این حملات، منفعلانه دست به هیچ اقدام مؤثری نزنند؟ و یا در صورت نپذیرفتن این دیدگاه، احیاناً چه راهکارها و توجیهات حقوقی ای برای مبارزه نظامی با تروریسم بین المللی و دفع خطرات آن وجود دارد. همچنین در اقدام نظامی علیه این گروه ها چه شرایطی باید محقق شود؟

مسئله دومی که در استفاده از پهپاد علیه گروه های تروریستی به وجود می آید از حیث سازگاری آن با قواعد حقوق بشردوستانه است. پهپاد به جهت مزایایی که از برخی جهات بر دیگر سلاح هایی اعم از موشک یا جت های جنگی دارد، به کرات در مبارزه با مواضع گروه های نظامی غیردولتی به کار بسته شده است. از جمله می توان به استفاده راهبردی این سلاح توسط آمریکا در مبارزه با گروه القاعده و طالبان در افغانستان اشاره کرد (Jaeger & Siddique, 2018: 1). در نتیجه این سلاح، سلاحی کلیدی و کاربردی در مبارزه با تروریسم است.

از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران نیز در زمینه تولید و به کارگیری پهپاد کشوری توانمند است و از سوی دیگر درگیر مبارزه با گروه های تروریستی است، استفاده از پهپاد می تواند ظرفیت بسیار کارآمدی در مبارزه با تروریسم باشد؛ اما پیش شرط استفاده از هر سلاحی، سازگاری آن با قواعد حقوق بشردوستانه

1. Nicaragua case

2. Wall opinion

است. به عنوان مثال باید ارزیابی شود که سلاح مورد استفاده تا چه امکان تفکیک اهداف نظامی و غیرنظامی را دارد.

بنابراین پرسش دوم این مقاله آن است که بر فرض مشروعیت اقدام نظامی علیه گروه‌های تروریستی فرامرزی، سلاح پهپاد از لحاظ حقوق بین‌الملل بشردوستانه چه مزایا و ویژگی‌هایی دارد و در کاربست آن در جنگ علیه تروریسم باید چه قواعدی ویژه‌ای در این خصوص رعایت شود.

اهمیت پژوهش، همان‌طور که اشاره شده از آن‌جا که جمهوری اسلامی ایران همواره در معرض تهدیدات تروریستی بوده است، مبارزه با تروریسم یکی از دغدغه‌های مهم آن است؛ بنابراین ضرورت دارد تا ابعاد حقوقی این مسئله نیز تبیین شود که مسئله تحقیق حاضر به‌طور خاص متمرکز بر ملاحظات حقوقی به کارگیری پهپاد علیه گروه‌های تروریستی است. این ملاحظات، آن‌چنان‌که توضیح داده شده، بر حول دو محور قرار می‌گیرد: ۱. از منظر حق بر دفاع مشروع (حقوق بر جنگ) ۲. از منظر حقوق بشردوستانه که در بخش یافته‌های مقاله، در دو بخش به این ملاحظات پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در حوزه مبارزه با تروریسم از منظر حقوق بر جنگ و حقوق بشردوستانه تاکنون مقالات متعددی نوشته شده است. بیشتر این مقالات ناظر بر انتقاد از عملکرد ایالات متحده در مبارزه با تروریسم یا استفاده از پهپاد و بررسی عملکرد دولت آمریکا در این زمینه با توجه به قواعد حقوق بین‌الملل بوده است.

برای مثال می‌توان به مقاله «بررسی قواعد بشردوستانه حاکم بر کاربرد پهپادها در مخاصمات مسلحانه (مطالعه موردی حملات پهپادهای ایالات متحده آمریکا)» اشاره کرد که حملات پهپادی آمریکا را از منظر حقوقی مورد مطالعه قرار می‌دهد (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴). در این مقاله پس از بررسی‌های فنی در خصوص نوع پهپادهای آمریکایی (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۸۰)، راجع به قواعد حقوق بشردوستانه قابل تسری بر حملات پهپادی آمریکا در افغانستان و پاکستان به‌طور مفصل بحث صورت گرفته است (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۸۸-۱۸۰). سپس با توجه به این قواعد عملکرد آمریکا و جنایت‌های صورت گرفته از طرف آن در حملات پهپادی مورد ارزیابی قرار گرفته است (تدینی و کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۸۸-۱۹۶). مقاله «استفاده آمریکا از هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ با تروریسم از منظر حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ» است که به نحو مشابه عملکرد آمریکا را مورد بررسی و انتقاد

قرار داده است، البته بحث حق بر جنگ و دفاع مشروع را نیز بدان اضافه کرده است و از این حیث کامل‌تر است (محمدی، ۱۳۹۹).

در این دو مقاله اگرچه بحث‌های ارزشمندی در خصوص عملکرد آمریکا صورت گرفته است، اما راجع به بررسی خود پهباد، فارغ از کشور استفاده‌کننده، بحثی به میان نیامده است و بنابراین بحث‌های صورت گرفته به محکومیت عملکرد آمریکا خلاصه شده است. از این رو نتوانسته است راهبردی حقوقی برای استفاده مناسب از پهباد علیه تروریسم برای دیگر کشورها، از جمله ایران، ارائه دهد.

همچنین برخی مقالات به طور خاص به بحث حقوق بر جنگ و دفاع مشروع در مبارزه با تروریسم پرداخته‌اند که می‌توان به مقاله «امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم» اشاره کرد (کدخدایی و زرنشان، ۱۳۸۶). در این مقاله در بخش نخست به قواعد حقوقی حاکم بر دفاع مشروع پرداخته شده است (کدخدایی و زرنشان، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۷) و پس از آن صرفاً عملکرد آمریکا در مبارزه با تروریسم را مورد نقد قرارداد (کدخدایی و زرنشان، ۱۳۸۶: ۹۷-۱۱۳) و در نهایت بدین نتیجه رسیده است که توسل به دفاع مشروع در برابر تروریسم «فاقد هرگونه وجاهت قانونی است» (کدخدایی و زرنشان، ۱۳۸۶: ۱۱۶). این نتیجه‌گیری اما مورد انتقاد مقاله حاضر است و با واقعیت جامعه بین‌المللی نیز مطابقتی ندارد. بلکه در مواردی بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل می‌توان امکان دفاع مشروع در برابر گروه‌های تروریستی را توجیه کرد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

در مجموع تفاوت عمده مقاله حاضر با ادبیات پیشین در دو مسئله است. اول آنکه رویکرد مقاله حاضر صرفاً انتقاد یا بررسی عملکرد دولتی خاص، مانند آمریکا، در این زمینه نیست. بلکه رویکرد عملیاتی و کاربردی به آن دارد و با توجه به حقوق بین‌الملل، سعی در ارائه راهکارهای حقوقی مناسب در مبارزه با تروریسم دارد که امروزه یکی از معضلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌رود. همچنین این مقاله آخرین تحولات این حوزه، یعنی ظهور داعش و رویکرد دولت‌ها در مبارزه با آن را نیز مورد بررسی قرار داده است که این مسئله نیز در مقالات پیشین وجود نداشته و از این جهت جنبه جدیدی به مسئله داده است.

مبانی نظری

حقوق توسل به زور

حقوق توسل به زور یا به عبارت دیگر «حقوق بر جنگ»^۱ مجموعه قواعدی است که بر مشروعیت تهدید یا استفاده از زور و نیروهای مسلح در روابط میان دولت‌ها حاکم است (Stahn, 2006: 793). پس از تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ مشروعیت استفاده از زور تا حد زیادی محدود شد. منشور سازمان ملل در مواد متعددی تهدید یا استفاده از زور را ممنوع اعلام می‌کند (Stahn, 2006: 922). ازجمله می‌توان به بند ۴ ماده ۲ اشاره کرد که بیان می‌دارد: «تمام اعضا باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر یک از دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود اجتناب کنند...» (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵). همچنین منشور در موارد دیگری از لزوم حفظ صلح جامعه بین‌الملل سخن می‌گوید که نقض آن را می‌توان معادل تجاوز و استفاده از زور علیه دیگر دولت‌ها دانست (رمضان زاده و پاسبان، ۱۴۰۰: ۱۰۰-۱۰۱).

بااین‌حال می‌توان گفت قاعده منع توسل به زور در دو مورد استثنای پذیر است. اول درجایی است که حمله‌ای مسلحانه علیه دولتی رخ داده است، درنتیجه دولت مورد تجاوز حق دفاع مشروع از خود دارد (کدخدایی و زرنشان، ۱۳۸۶: ۸۷). حق دفاع مشروع «به کشور مورد تجاوز مسلحانه حق می‌دهد تا به‌فوریت در مقابل تهاجم ... با هر وسیله ممکن متوسل به زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را سرکوب کند.» (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۴۴۲) ماده ۵۱ منشور ملل متحد (۱۹۴۵) در این خصوص بیان می‌دارد: «هیچ چیز در منشور حاضر به حق ذاتی دفاع مشروع جمعی یا فردی در صورت حمله مسلحانه به عضوی از ملل متحد خللی وارد نمی‌آورد...»

در اینجا شایان ذکر است که مفهوم دفاع مشروع در حقوق داخلی ایران و فقه امامیه بیشتر ناظر بر حق افراد در دفاع از خود در برابر خطر بالفعل یا قریب‌الوقوعی است که جان، مال، ناموس، عرض و آزادی خود یا دیگری را تهدید می‌کند. (حسینی زندآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۰-۷۱) البته همین معنا از دفاع مشروع می‌تواند در بعد روابط بین‌المللی هم بکار گرفته شود و درنتیجه، از لحاظ فقهی، به کشوری که در معرض حمله قرار گرفته است، اجازه دفاع از خود بدهد (حسینی زندآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۰) که در این

1. jus ad bellum

خصوصاً وجوب جهاد دفاعی در اسلام و راندن دشمنان از سرزمین های اسلامی (مؤمن، ۱۳۸۰: ۸-۹) مؤید این مطلب است.

استثنای دوم بر قاعده منع توسل به زور، در حقوق بین الملل، درجایی است که شورای امنیت ذیل فصل هفت منشور، به منظور صلح و امنیت جامعه بین الملل اقدامات قهرآمیزی را با استفاده از زور تجویز کند (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۱: ۴۴۲). لازم به ذکر است که تصمیمات شورای امنیت مقدم بر حق دفاع مشروع است و چنانچه شورای امنیت تصمیمی در این خصوص اتخاذ کند، اجرا تصمیم شورای امنیت در اولویت است (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵: ماده ۵۱)؛ اما در هر صورت حق دفاع مشروع حقی فوری و مشروع برای تمامی دولت ها است و بدون تأیید یا تصویب شورای امنیت نیز می تواند استیفا شود.

لازم به ذکر است که باید میان دفاع مشروع و احیاناً عملیات های امنیتی-پلیسی در خاک کشور خارجی تمایز گذاشت. توضیح آنکه دفاع مشروع نوعی حمله نظامی به هدف دفاع از کشور و مقابله متجاوز است، اما عملیات های امنیتی-پلیسی مانند دستگیری مجرم در خاک کشوری دیگر یا اقداماتی از این قبیل، اگرچه مصداق توسل به زور است، اما به حد حمله نظامی نمی رسد (O'Connell, 2002: 907). همچنین در این زمینه دولت ها ممکن است با یکدیگر موافقت نامه های همکاری قضائی، پلیسی و امنیتی داشته و در این زمینه با یکدیگر همکاری کنند.

حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بشردوستانه قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه است که می توان آن را مجموعه قواعد و مقرراتی تعریف کرد که «ضمن تعیین حقوق حمایت از افراد انسانی-اعم از رزمنده یا غیر رزمنده (غیرنظامی)- و اموال غیر نظامی و حقوق طرف های متخاصم در مخاصمات مسلحانه- اعم از بین المللی یا غیر بین المللی- تکالیف افراد انسانی و طرف های متخاصم را نیز در آن مخاصمات مشخص می کند» (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۲۷)

آنچه امروزه به عنوان حقوق بین الملل بشردوستانه خوانده می شود شاخه ای از «حقوق در جنگ»^۱ است؛ به این معنا که برخلاف «حقوق بر جنگ» دیگر به بحث مشروعیت مخاصمات و توسل به زور نمی پردازد، بلکه با قبول واقعیت جنگ سعی در نظام مند کردن آن دارد (Kolb, 1997: 555). هدف

1. jus in bello

حقوق بشردوستانه به حداقل رساندن لطمات و آسیب‌ها در مخاصمات مسلحانه و ممنوع کردن استفاده از برخی سلاح‌ها و شیوه‌های جنگی‌ای به این منظور است. (ضیائی بیگدلی، ۱۴۰۰: ۲۷)

ازجمله مهم‌ترین اصول مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه «اصل تفکیک»^۱ است. براساس این اصل همواره در عملیات‌های نظامی باید میان اهداف نظامی و غیرنظامی تفکیک قائل شد. ازاین‌رو صرفاً اهداف نظامی می‌تواند هدف مشروعی برای اصابت حملات باشد. درنتیجه می‌توان حملات کورکورانه و بدون تفکیک را ممنوع دانست (محمدی، ۱۳۹۹: ۳۳۱-۳۳۲). همچنین در کنار این اصل، اصل «تناسب»^۲ وجود دارد. در حقوق بشردوستانه پذیرفته می‌شود که ممکن است با مورد هدف قرار دادن اهداف نظامی خسارات جانبی و اتفاقی نیز به اموال یا افراد غیرنظامی وارد شود. در این موارد البته باید توجه داشت که این خسارات و صدمات جانبی باید در تناسب با مزیت نظامی‌ای باشد که انتظار می‌رود از آن حمله حاصل شود. (محمدی، ۱۳۹۹: ۳۳۳) ازاین‌رو به‌عنوان مثال برای کشتن چند سرباز ساده که تأثیر خاصی در روند جنگ ندارند، نمی‌توان روستا یا شهرکی را از بین برد.

تروریسم

تروریسم^۳ یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه صلح و امنیت جامعه بین‌الملل در عصر حاضر است. باوجوداینکه بسیاری از کشورها با مسئله تروریسم درگیر هستند، اما همچنان تعریف مشخص و جامعی برای آن وجود ندارد (Guillaume, 2004: 539). این ابهام ازآن‌جهت به وجود آمده است که دولت‌ها در تمایز میان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و گروه‌های تروریستی رویکرد واحدی ندارند. به عبارت دیگر اغلب اوقات یک فرد یا گروه در عین اینکه برای جمعی از دولت‌ها تروریست محسوب می‌شود برای عده دیگری از دولت‌ها مبارز آزادی‌خواه به حساب می‌آید (Guillaume, 2004: 539).

درنتیجه دولت‌ها برای مبارزه با اقدامات تروریستی به جای تعریف جامعی از تروریسم، اعمال و اقدامات خاصی را تحت معاهدات بین‌المللی ویژه‌ای ممنوع دانسته و راه‌هایی برای سرکوب آن پیش‌بینی کرده‌اند. ازجمله اقداماتی که تحت این دسته معاهدات ممنوع شمرده شده است عبارت‌اند از:

1. Principle of Distinction
2. Principle of Proportionality
3. Terrorism

هواپیماربایی؛ اقدامات خصمانه علیه هواپیماها، کشتی ها و سکوهاى نفتی؛ حمله به نمایندگان سیاسى^۱ و گروگان گیری (Guillaume, 2004: 538).

با این وجود در سال ۱۹۹۹ سعی شد که در قالب کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۲۰۰۲)، تعریفی جامع از تروریسم ارائه شود. البته این تعریف نیز چندان صریح و دقیق نبود. آنچه از بند ۱ ماده ۲ این کنوانسیون برمی آید آن است که اعمال تروریستی عبارت است از «کلیه اقدامات خشونت آمیزی که علیه جان افراد غیرنظامی، به هدف ارباب مردم یا وادار ساختن دولت یا سازمانی بین المللی به انجام یا ترک فعلی، صورت بگیرد». همچنین این کنوانسیون اعمال خاص مذکور مانند هواپیماربایی یا گروگان گیری را نیز در زمره اعمال تروریستی آورده است.

با وجود این ابهامات طبیعی است که هر دولت، با توجه به موقعیت و منافع خود، تفسیر و تعبیر متفاوتی از تروریسم داشته باشد و با تعاریف متعددی از تروریسم مواجه باشیم (Schmid, 2011: 99-148). از جمله مهم ترین تفاوت ها، برای مقاله حاضر، تفاوت رویکرد ایالات متحده و متحدان او با جمهوری اسلامی ایران در مقوله تروریسم است. رویکرد سلطه طلبانه و همراه با استناد اردوهای دوگانه ای که آمریکا به مقوله تروریسم دارد از جمله این موارد است. حال باید بررسی کرد که این تفاوت از کجا نشأت می گیرد.

از نظر سازمان ناتو^۲ اعمال تروریستی عبارت است از: «هرگونه استفاده یا تهدید به استفاده غیر مشروع از زور علیه افراد یا اموال به منظور وادار کردن یا ترساندن حکومت ها یا جوامع در جهت نیل به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک» (Schmid, 2011: 142). در برخی قوانین ایالات متحده نیز تروریسم به این صورت تعریف شده است: «اصطلاح «تروریسم» به معنای ارتکاب خشونت عامدانه و با انگیزه سیاسی علیه اهداف غیرنظامی است که توسط گروه های غیردولتی... و معمولاً به منظور تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان شان صورت می گیرد. اصطلاح «تروریسم بین المللی» به معنای تروریسمی است که شامل شهروندان یا قلمروی بیش از یک کشور باشد».

عنصر اصلی در این تعاریف، استفاده یا تهدید زور علیه غیرنظامیان به منظور ایجاد فشار سیاسی و وادار کردن حکومت ها به انجام یا ترک کاری است. در حالی که عنصر لطمه به غیرنظامیان لازمه تروریستی

1. Diplomat

2. NATO

شناختن عملی تلقی می‌شود، با این وجود ایالات متحده در عمل چندان بدان پایبند نبوده است. برای مثال در قضیه بمب‌گذاری در مقر تفنگداران دریایی ایالات متحده در بیروت در سال ۱۹۸۳ که منجر به کشته شدن ۲۴۱ نفر از نیروهای حفاظ صلح ایالات متحده در این منطقه شد، ایالات متحده این عمل را تروریستی شناخت و در برخی دعاوی بین‌المللی بر همین اساس ایران را حامی اقدامات تروریستی تلقی کرد (Islamic Republic of Iran v. United States of America, 2019: paras 18-28). این در حالی است که قربانیان آن حادثه نظامی تلقی می‌شدند.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد استفاده ایالات متحده از این اصطلاح و تروریستی نامیدن برخی گروه‌ها و اعمال در عمل بیشتر جنبه‌ای سیاسی پیدا کرده و به جهت حذف گروه‌هایی به کار می‌رود که وجودشان با منافع این کشور در تضاد است و درون گفتمان سلطه قرار نداشته و در گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت قرار دارند.

در سوی دیگر برای پی بردن به تعریف ترور از منظر جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به بیانات امام خمینی (رحمة الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان رهبران انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران رجوع کرد. در فرمایشات امام در مورد اقدامات تروریستی بر سه عنصر در محکومیت ترور تأکید شده است: ۱. ترور بی‌گناهان در عباراتی مانند «ترور کور اشخاص بی‌گناه کوچک و بازار»، ۲. انگیزه ایجاد رعب و وحشت در عباراتی مانند «به خیال خود برای ارباب ملت ترور می‌کنند» ۳. داشتن هدف سیاسی در عباراتی مانند «با ترور شخص میدان برای آن‌ها باز نخواهد شد... ترور برای شما فایده ندارد» (نعمتی وروجنی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۵).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نیز در بیاناتی می‌فرماید: «تروریسم فقط به معنای اقدامات تروریستی گروه‌های غیررسمی نیست، بلکه کشتارهای دسته جمعی مردم به دست برخی دولت‌ها... بدترین نوع تروریسم است.» (دیدار رئیس‌جمهوری فنلاند با رهبری انقلاب، ۱۳۹۵) بنابراین بر خلاف تعریف آمریکایی از تروریسم، جمهوری اسلامی حتی اعمال تروریستی‌گونه با منشاء دولتی را نیز عمل تروریستی تلقی می‌کند. در عین حال اما می‌توان گفت به‌طور مشترک جمهوری اسلامی ایران نیز ماهیت اعمال تروریستی را واجد عناصری مانند کشتار یا آسیب به غیرنظامیان، داشتن هدف سیاسی و ایجاد رعب و

۱. شایان ذکر است که ایالات متحده هیچ‌گاه در اثبات این ادعای خود علیه جمهوری اسلامی ایران موفق نبوده (Islamic Republic of Iran v. United States of America, 2019: paras ۸۵-۸۷) و به نظر می‌رسد این ادعا تهمت و افترا بی‌اساس علیه جمهوری اسلامی ایران باشد تا ادعایی اثبات پذیر و قابل دفاع.

وحشت می‌داند. بدین ترتیب بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۳۹۴، به طور ضمنی اعمال تروریستی را بدین نحو تعریف می‌کند: «ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هرگونه اقدام خشونت آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت آمیز آگاهانه علیه افراد دارای مصونیت قانونی یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در قلمرو جمهوری اسلامی ایران.»

با وجود اشتراکات بسیار در تعریف حقوقی، اما در تعیین مصادیق میان رویکرد ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران تفاوت‌های جدی‌ای وجود دارد. برای مثال ایالات متحده گروه حزب‌الله و حماس را در زمره گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد اما جمهوری اسلامی ایران چنین نگاهی به این گروه‌ها ندارد. همان‌طور که اشاره شد به نظر نمی‌رسد این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت ویژه‌ای در تعریف تروریسم از منظر این دو دولت باشد، بلکه بیشتر ناشی از تفاوت نگاه سیاسی آن دو در تعیین مصادیق است. چراکه ایالات متحده گروه‌های مبارز ملی، مانند حماس یا حزب‌الله را به دلیل منافع سیاسی خود در قبال رژیم صهیونیستی در زمره گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد و از این جهت در این خصوص سیاست یا استاندارد دوگانه دارد (امینی، ۱۳۹۰: ۶۹).

نکته بسیار حائز اهمیت دیگر در ماهیت تروریسم آن است که در حقوق بین‌الملل، برخلاف حقوق داخلی دولت‌ها، «تروریسم دولتی»^۱ مفهومی زائد است. چراکه بررسی مشروعیت تهدید و استفاده از زور توسط دولت‌ها تحت قواعد دیگری از جمله حقوق توسل به زور و حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌گنجد. (Trapp, 2011: 25) از این رو به نظر می‌رسد اصطلاح تروریسم در حقوق بین‌الملل صرفاً به گروه‌های شبه‌نظامی غیردولتی دلالت داشته باشد. شایان ذکر است که حتی اگر قرار باشد از «تروریسم دولتی» سخنی به میان آید، ایالات متحده آمریکا از جمله اصلی‌ترین متهمان آن خواهند بود. از جمله می‌توان به هدف قراردادن هواپیمای مسافربری ایران IR655 در سال ۱۳۶۷ به مقصد دوبی توسط آمریکا اشاره کرد. همچنین شواهد بسیاری مبتنی بر این مطلب وجود دارد که آمریکا خود در ایجاد و حمایت از گروه‌هایی همچون داعش و القاعده شریک بوده است. (Chengu, 2014)

1. State terrorism

دیوان بین‌المللی دادگستری^۱

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۵ هم‌زمان با تأسیس سازمان ملل متحد، به‌عنوان رکن قضایی این سازمان و جانشین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^۲ بوجود آمد (Merrills, 2011: 116). از آن‌جا که اساسنامه دیوان بخش جدایی‌ناپذیری از منشور ملل متحد است، تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد به‌طور خودکار عضو اساسنامه دیوان نیز هستند (منشور ملل متحد، ۱۹۴۵: مواد ۹۲ و ۹۳). صلاحیت دیوان به رسیدگی اختلافات نیز، منحصر در رسیدگی به اختلافات میان دولت‌ها و مشروط به رضایت آن‌ها است (Merrills, 2011: 116-117).

دیوان به‌طورکلی دارای دو کارکرد است. اولین کارکرد آن رسیدگی به دعاوی ترافیعی است. (صلح‌چی و نژندی منش، ۱۴۰۱: ۱۷۳) دیوان تنها در صورت رضایت طرف‌های اختلاف صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را دارد. کارکرد دوم دیوان صدور نظریه مشورتی در قبال مسائل حقوقی است. طبق اساسنامه دیوان و منشور ملل متحد، دیوان می‌تواند در مورد هر مسئله حقوقی‌ای که از سوی شورای امنیت یا مجمع عمومی سازمان ملل پرسیده می‌شود یا هر رکنی که از طرف مجمع عمومی مجاز به درخواست باشد، نظریه مشورتی ارائه دهد (صلح‌چی و نژندی منش، ۱۴۰۱: ۱۸۹-۱۹۰).

هیچ‌شکی در آن نیست که نظرات مشورتی دیوان جنبه الزام‌آور ندارد. با این وجود ارزش استدلالی این نظرات تفاوتی با آرای ترافیعی ندارد (رنجبر و نظری، ۱۴۰۱: ۱۲۴-۱۲۵). به بیان دیگر تمام نظرات دیوان، اعم از الزام‌آور و غیرالزام‌آور، تفسیری معتبر و قابل تأمل از حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهد (رنجبر و نظری، ۱۴۰۱: ۱۲۶). از این رو می‌توان دید که استناد به این نظرات حتی در جایگاهی که الزام‌آور نیست، معمول و مورد قبول است (رنجبر و نظری، ۱۴۰۱: ۱۳۰-۱۳۳) که این موضوع نشان از اهمیت نظرات دیوان در تفسیر حقوق بین‌الملل دارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع مقاله و سؤالات اصلی آن که ناظر بر بررسی وضعیت حقوقی اقدام نظامی به‌وسیله پهپاد علیه گروه‌های تروریستی فرامرزی است، روش پژوهشی استفاده شده در مقاله از نظر ماهیت هدف

1. The International Court of Justice

2. The Permanent Court of International Justice

کاربردی و از نظر روش توصیفی- تحلیلی است. چراکه یافته‌های مقاله در قالب توصیف وضعیت حقوقی‌ای خاص در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق توسل به زور است. در عین حال با توجه به این یافته‌ها اقدامات مشروع و راه‌های قانونی مبارزه با تروریست تحلیل و بررسی خواهد شد. در نتیجه روش تحلیلی-توصیفی روشی است که در مقاله حاضر به کار گرفته شده است. همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های لازم با روش کتابخانه‌ای و مطالعه مقالات و کتب معتبر مربوطه بوده است.

یافته‌های پژوهش

گفتار اول: حق دفاع مشروع در برابر گروه‌های تروریستی: مروری بر ادله حقوقی مقابله با اقدامات تروریستی

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، اولین پرسشی که این مقاله در صدد پاسخگویی به آن است بررسی شرایط قانونی است که تحت آن پاسخ نظامی به حملات گروه‌های تروریستی امکان‌پذیر می‌شود. پاسخ به این پرسش مختص به حوزه حقوق توسل به زور یا حقوق بر جنگ است که بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی به حساب می‌آید.

به‌طورکلی در منشور ملل متحد استفاده از زور ممنوع شده است؛ اما دو استثناء برای آن در نظر گرفته شده است: اولاً استفاده از زور در مقام دفاع مشروع و ثانیاً اقدامات قهرآمیزی که توسط شورای امنیت تجویز شده است. (Wood, 2020: 182) ماده ۵۱ منشور برای دولتی که مورد حمله مسلحانه واقع شود حق ذاتی دفاع مشروع قائل است. سؤالی که این‌جا مطرح می‌شود آن است که آیا اعمال حق دفاع مشروع تنها در روابط میان دولت‌ها قابلیت استناد دارد یا در مواجهه با حملات گروه‌های غیر دولتی نیز امکان اعمال دفاع مشروع وجود دارد؟

با نگاهی به متن ماده ۵۱ منشور، این ماده دفاع مشروع را به عنوان استثنای ممنوعیت کاربرد زور در روابط میان دولت‌ها پذیرفته است؛ اما در خصوص منشاء «حمله مسلحانه» صحبتی نکرده است. بلکه صرف وقوع حمله مسلحانه علیه دولتی، آن دولت را مستحق دفاع مشروع می‌کند (Wedgwood, 2005: 58). بر همین اساس از اوایل بوجد آمدن منشور ملل متحد، گروهی از حقوقدانان و معدودی از دولت‌ها بر این باور بودند که این ماده حق دفاع مشروع در برابر گروه‌های غیردولتی را نیز شامل می‌شود (Brunnee & Toope, 2018: 268). اولین موجودیتی که بر همین اساس اقدام کرد رژیم صهیونیستی در دهه ۷۰ بود که به بهانه مبارزه با گروه‌های تروریستی، به خاک لبنان حمله کرد. رژیم صهیونیستی به منظور توجیه عمل خود بیان داشت که از

آن‌جا که دولت لبنان «نمی‌تواند یا نمی‌خواهد» مانع حملات صورت گرفته از سوی گروه‌های نظامی مستقر در خاک خود شود، بنابراین رژیم صهیونیستی مستحق اعمال دفاع مشروع در قلمروی دولت لبنان است (Brunnee & Toope, 2018: 268). البته این اقدام با محکومیت شورای امنیت سازمان ملل و طیف وسیعی از کشورهای جهان همراه بود (Brunnee & Toope, 2018: 268).

بر همین اساس مجمع عمومی در قطعنامه ۳۳۱۴ خود معروف به قطعنامه «تعریف تجاوز»^۱ در سال ۱۹۷۴ در راستای حل این مسئله اقدام می‌کند (Brunnee & Toope, 2018: 268). این قطعنامه به‌طور کلی تنها حملات مسلحانه صورت گرفته از سوی دولت را مصداق تجاوز می‌داند. در مقابل تنها زمانی حملات صورت گرفته از سوی گروه‌های نظامی غیردولتی را مصداق تجاوز می‌داند که «فرستاده دولت باشند یا از جانب او» فعالیت کنند یا دولت در آن حملات «مشارکت اساسی» داشته باشد (UNGA Res. 3314, 1974: act. 3(g)). این دیدگاهی است که به کرات از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در آرای مختلفی از جمله پرونده نیکاراگوئه (۱۹۸۶) و پرونده کنگو^۲ (۲۰۰۵) مورد تأیید قرار گرفته است (Green, 2009: 17-18, 26).

دیوان در پرونده نیکاراگوئه دقیقاً تعریف صورت گرفته در قطعنامه «تعریف تجاوز» را مورد پذیرش قرار داده و تنها در صورت انتساب حملات صورت گرفته به دولت، دولت قربانی را مستحق اعمال دفاع مشروع می‌داند (Nicaragua v. USA, 1986: para. 195). همچنین معیار انتساب عمل گروه غیردولتی به دولت را، «کنترل مؤثر» دولت بر فعالیت‌های آن گروه تلقی کرده است (Nicaragua v. USA, 1986: para. 109).

در جریان پرونده کنگو، دولت اوگاندا چنین ادعا می‌کند که به خاطر وجود گروه‌های شبهه نظامی‌ای که از خاک کنگو به اوگاندا حمله می‌کردند، در قلمروی دولت کنگو عملیات نظامی انجام داد (Green, 2009: 17-18). دیوان در خصوص این ادعا بیان می‌کند که فعالیت این گروه‌ها به دولت کنگو قابل انتساب نیست و دولت کنگو به خاطر عدم کنترل بر سرزمین‌های شرقی آن نمی‌توانست مانع فعالیت‌های این گروه‌ها علیه اوگاندا شود؛ بنابراین انجام عملیات نظامی و تجاوز به خاک کنگو از سوی اوگاندا، نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است (DRC v. Uganda, 2005: paras 148-165).

با این وجود رویه دولت‌ها پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهت‌گیری متفاوتی پیدا کرد؛ همین امر نیز موجب متزلزل شدن تفسیرهای سنتی نسبت به دفاع مشروع شد. شورای امنیت سازمان ملل در دو

1. Definition of Aggression

2. Congo case

قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ که پس از حمله ۱۱ صادر شد، حق دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی را به رسمیت شناخت (Wood, 2020: 184). شورای امنیت در قطعنامه ۱۳۶۸ حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در برابر تروریسم را مطابق با منشور ملل متحد می‌داند (UNSC Res. 1368, 2001). شورای امنیت دوباره در قطعنامه ۱۳۷۳ موضع اتخاذ شده در قطعنامه ۱۳۶۸ در خصوص دفاع مشروع را تأیید می‌کند (UNSC Res. 1373, 2001). لازم به ذکر است بنابر عبارات استفاده شده در این دو قطعنامه، نمی‌توان آن را به مثابه اجازه‌ای خاص و موردی برای استفاده از زور تلقی کرد. بلکه این دو قطعنامه در مقام تفسیر «دفاع مشروع» است و بنابراین به طور کلی اجازه استفاده از زور در مقابله با حملات تروریستی را به دولت‌ها می‌دهد. از این رو دولت‌ها می‌توانند با استناد به این اسناد به مقابله نظامی با حملات تروریستی‌ای بپردازند که از خارج مرزهایشان صورت می‌گیرد (Byers, 2002: 402).

رویداد دیگری که بسیار در حقوق مرتبط با توسل زور در مقابل گروه‌های غیردولتی مؤثر واقع شد، ظهور داعش در قلمروی سوریه و عراق و به دست آوردن کنترل بخش قابل توجهی از قلمروی این دو کشور تا سال ۲۰۱۴ بود (Brunnee & Toope, 2018: 269). از یک طرف دولت سوریه به همراه دو دولت ایران و روسیه، به دعوت حکومت سوریه، در حال مبارزه با داعش بودند؛ اما از سوی دیگر نیز ائتلاف غربی، به همراه طیف وسیعی از کشورهای عربی، به رهبری آمریکا به بهانه مبارزه با داعش و با استناد به دفاع مشروع در قلمروی سوریه حضور پیدا کردند (Brunnee & Toope, 2018: 269). ایالات متحده در توضیح این اقدام، در نامه خود به شورای امنیت در سپتامبر ۲۰۱۴ بیان می‌دارد: «اگر حکومت دولتی که تهدید از آن‌جا نشأت گرفته است نخواهد یا نتواند مانع مورد استفاده قرار گرفتن قلمروی خود برای حملات تروریستی شود... دولت‌ها باید بتوانند بر اساس حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی از خود دفاع کنند» (UNSCOR, UN Doc S, 2014: 695).

چالش حقوقی‌ای که در تقابل دو دیدگاه سنتی و جدید به حق دفاع مشروع شکل گرفته است عبارت از این است که از یک سو حمله به قلمروی دولت خارجی، مصداق نقض حق حاکمیت آن دولت است؛ بنابراین جز در مقام دفاع مشروع و زمانی که ابتداءً آن دولت حمله مسلحانه‌ای کرده باشد، نمی‌توان علیه قلمروی آن به زور متوسل شد. به علاوه گسترش بی‌قاعده دامنۀ دفاع مشروع، به عنوان استثنائی بر اصل ممنوعیت توسل به زور، متزلزل‌کننده خود قاعده منع توسل به زور است (Brunnee & Toope, 2018: 281).

از سوی دیگر اما این توصیه به دولت‌ها که در مقابل تهدیدات و حملات گروه‌های تروریستی که می‌تواند دارای ابعاد وسیع و از بین‌برنده منافع اساسی دولت‌ها باشد، منفعلانه عمل کنند، درخواستی غیرممکن است (Brunnee & Toope, 2018: 268). در این میان دکترین جمهوری اسلامی ایران در برابر حملات صورت گرفته از سوی تروریست‌های واقع در کشورهای همسایه از جمله پاکستان و کردستان عراق باید چه باشد؟

آنچه در این موضوع مورد وفاق دولت‌ها، رویه قضائی بین‌المللی و قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل است، آن است که چنانچه دولتی با کنترل و هدایت گروهی تروریستی دست به اقدام مسلحانه علیه دولت دیگر بزند، یا در حملات مسلحانه صورت گرفته از سوی گروهی تروریستی، مشارکت اساسی داشته باشد، دولت قربانی حملات تروریستی مستحق اعمال دفاع مشروع خواهد بود (O'Connell, 2002: 900). همچنین دیگر دولت‌ها نیز، بر اساس دفاع مشروع جمعی، می‌توانند با دولت قربانی همراهی کنند. آمریکا بر همین اساس، یعنی دست داشتن طالبان در حملات صورت گرفته از سوی القاعده، به افغانستان حمله کرد (O'Connell, 2002: 901-902).

اما مسئله مورد اختلاف در جایی است که حملات صورت گرفته توسط گروه تروریستی از قلمروی کشوری صورت می‌گیرد که آن دولت هیچ ارتباطی با حملات مذکور ندارد؛ اما در عین حال دولت مذکور نمی‌تواند یا نمی‌خواهد مانع انجام فعالیت‌های آن گروه تروریستی شود. برای مثال حملات گروه‌های تروریستی مستقر در پاکستان به ایران را می‌توان از این دست دانست.

در قضیه تشکیل ائتلاف غربی علیه داعش در سوریه، آمریکا دست به این توجیه حقوقی زد که پیش از آن نیز توسط رژیم صهیونیستی به کار رفته بود. معیار آمریکا عبارت از آن بود که اگر دولتی «نخواهد یا نتواند» مانع حملات تروریستی از خاک خود شود، دولت خارجی مستحق دفاع مشروع در برابر مواضع آن گروه تروریستی در خاک دولت مذکور خواهد شد (Wood, 2020: 185). این معیار بسیار مورد انتقاد جامعه بین‌الملل قرار گرفت. عموم دولت‌های جهان از جمله دولت‌های غربی، جز تعداد معدودی همچون انگلستان و استرالیا، در اظهارات و اعمال خود مخالف چنین تفسیری از منشور ملل متحده بوده‌اند (Brunnee & Toope, 2018: 270-273).

این معیار با وجود ابهام‌ها و دامنه تفسیر موسعی که برای دفاع مشروع قائل است بر خلاف منشور

ملل متحد و قاعده منع کاربرد زور در روابط بین المللی است. با این ملاک و معیار اگر هر دولتی به خاطر ناتوانی نسبی خود نتواند مانع انجام عملیات تروریستی از قلمروی خود به خاک کشورهای دیگر شود، تمامیت ارضی او مورد تجاوز دولت خارجی قرار خواهد گرفت (Brunnee & Toope, 2018: 279).

از آنجا که دفاع مشروع استثنائی بر ممنوعیت استفاده از زور است، باید به نحو مضیق تفسیر شود و از هرگونه توسعه مشکوکی در آن اجتناب کرد (Brunnee & Toope, 2018: 278). همچنین باید توجه داشت که طبق حقوق بین الملل عرفی^۱ دو اصل ضرورت و تناسب که به معیارهای کارولین^۲ مشهور است، از جمله الزامات دفاع مشروع است (Byers, 2002: 406). به این معنا که زمانی امکان توسل به زور و دفاع مشروع وجود دارد که آن دولت در معرض خطری قابل توجه و قریب الوقوع باشد و هیچ گزینه دیگری جز توسل به زور برای دفع آن خطر باقی نمانده باشد (O'Connell, 2002: 894). بر همین اساس باید از هرگونه توسعه غیرضروری دفاع مشروع اجتناب کرد.

باید توجه داشت در واقع افراد و گروه‌های غیردولتی‌ای که بدون دخالت و حمایت دولت، دست به حملات تروریستی می‌زنند، مرتکب جرم شده‌اند و باید با آن‌ها به عنوان مجرم برخورد شود. در نتیجه نمی‌توان در این موارد به دفاع مشروع که مفهومی در حقوق بین الملل عمومی و در خصوص روابط میان دولت‌ها است، متوسل شد. آنچه در این مورد در مبارزه با گروه‌های تروریستی توصیه می‌شود، معاضدت‌های حقوقی-کیفری و همکاری‌های پلیسی بین المللی است (O'Connell, 2002: 905-906).

با این همه در موارد خاصی همچنان وضعیت حقوق بین الملل چندان روشن نیست. برای مثال زمانی که دولتی به طور کامل کنترل بخشی از قلمروی خود را از دست دهد و گروهی تروریستی کنترل آن را به دست آورد، همچنان امکان دفاع مشروع در برابر آن گروه تروریستی وجود ندارد؟

در جواب به این سؤال باید گفت با وجود ابهامات زیادی که در حقوق مرتبط با دفاع مشروع وجود دارد، دولت‌ها همچنان از تلاش برای مشخص کردن حد و مرزهای کاربرد زور در روابطشان امتناع می‌کنند. تلاش‌هایی در این زمینه در سطح بین المللی صورت گرفته است، اما هیچ‌کدام به موفقیت نرسیده است (Ronzitti, 2006: 359)؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که در حقوق بین الملل «ضرورت»

۱. حقوقی که بر اساس رویه دولت‌ها و عمل به آن به مثابه قانون، جنبه الزام‌آور پیدا کرده است. حقوق بین الملل عرفی بخشی از منابع پذیرفته شده حقوق بین الملل است (اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، ۱۹۴۵: ماده ۳۸).

2. Caroline

یکی از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی است و چنانچه شرایط آن در حقوق بین‌الملل محقق شود امکان توسل به زور وجود دارد (Ronzitti, 2006: 358). با توجه به ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (Yearbook of the International Law Commission, vol. II, 2001) به نظر می‌رسد تنها زمانی می‌توان بر اساس ضرورت، به زور متوسل شد که اولاً خطری بزرگ و قریب‌الوقوع دولتی را تهدید کند، ثانیاً هیچ راه دیگری جز توسل به زور برای مقابله با آن نباشد و ثالثاً تنها مواضع گروه‌های تروریستی هدف حمله قرار گیرد؛ بنابراین در این موارد خاص نیز اگر ضرورت اقتضا کند، امکان توسل به زور وجود دارد. بنابراین در مقام جمع‌بندی می‌توان وضعیت‌های حقوقی مبارزه با تروریسم فرامرزی را به این نحو نشان داد:

جدول ۱. جمع‌بندی وضعیت‌های حقوقی مبارزه با تروریسم فرامرزی

ردیف	وضعیت	امکان دفاع مشروع در برابر گروه تروریستی در خاک کشور دیگر	همکاری‌های بین‌المللی حقوقی و پلیسی
۱	یک دولت از گروهی تروریستی برای انجام عملیات‌های خود استفاده کند.	امکان دفاع مشروع وجود دارد.	-
۲	دولتی در انجام عملیات‌های تروریستی با گروهی تروریستی مشارکت داشته باشد.	امکان دفاع مشروع وجود دارد.	-
۳	دولتی نتواند یا نخواهد مانع انجام عملیات تروریستی از خاک خود شود.	امکان دفاع مشروع وجود ندارد.	تنها امکان همکاری‌های مسالمت‌آمیز وجود دارد.
۴	دولت قربانی تحت شرایط استثنائی‌ای باشد که گزینه دیگری جز دفاع مشروع نداشته باشد.	با رعایت محدودیت‌های اصل ضرورت، امکان دفاع مشروع وجود دارد.	امکان همکاری‌های مسالمت‌آمیز نیز وجود دارد.

گفتار دوم تحلیل حقوقی استفاده از پهپاد در مبارزه با تروریسم

پهپاد به عنوان سلاحی راهبردی در مبارزه با گروه های تروریستی، به کرات توسط ایالات متحده در جنگ با القاعده و طالبان در مناطقی همچون افغانستان و پاکستان مورد استفاده قرار گرفته است (شانگ، ۲۰۲۲: ۱۰۵). استفاده از پهپاد توسط ایالات متحده علیه مواضع گروه های همچون طالبان و القاعده در پاکستان و افغانستان به طور معمول استفاده شده و رشد روزافزون داشته است. برای مثال در بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ در مجموع حدود ۱۹۵ عملیات پهپادی مرگ آور توسط ایالات متحده صورت گرفته است در حالی که در ۲۰۱۰ به تنهایی در خاک پاکستان این عدد به حدود ۸۰۰ عملیات رسیده است (Jang, 2013: 2).

این عملیات ها به ویژه با «هدف قتل (انهدام) هدفمند»^۱ صورت گرفته است و تلفات و خسارات جانبی بسیاری به افراد غیرنظامی وارد ساخته است، به نحوی که مردمان این مناطق خواستار قاعده مند شدن انجام این گونه عملیات ها هستند. برای مثال در عملیات قتل بیت الله محسود، یکی از راهبران طالبان در پاکستان، ۱۲ فرد غیرنظامی نیز به قتل رسیدند. یا در عملیات پهپادی هدف قراردادن ایمن الظواهری قائم مقام اسامه بن لادن، ۱۸ نفر از افراد غیرنظامی که در آن منطقه عبور و مرور می کردند نیز کشته شدند (Jang, 2013: 2-3) این تا به حدی است که برخی پهپادهای آمریکایی مانند پهپاد «پردیتور» امروزه در قتل عام هزاران زن و کودک بی گناه در عملیات های پهپادی آمریکا علیه طالبان و القاعده شهری جهانی پیدا کرده است (همشهری آنلاین، ۱۳۹۱).

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک قدرت پهپادی، به کرات علیه مواضع گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه عملیات پهپادی انجام داده است (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲). همچنین سپاه پاسداران با استفاده از هواپیمای شناسایی شاهد ۱۲۹، توانسته است مرزهای جنوب شرقی خود با افغانستان و پاکستان را در راستای شناسایی گروه های تروریستی تحت نظارت قرار دهد (رجانیوز، ۱۳۹۴).

تفاوت اساسی ای که به نظر می رسد در نحوه استفاده جمهوری اسلامی ایران و آمریکا از پهپاد وجود دارد عدم هدف قرار دادن مستقیم و متعدد افراد و اموال غیرنظامی بوده است. برای مثال در کمترین و خوش بینانه ترین برآوردهای صورت گرفته، تخمین زده می شود بیش از ۴۶۰۰۰ نفر غیرنظامی افغان در

1. Targeted Killing

طول جنگ آمریکا علیه افغانستان کشته شده‌اند (Bateman, 2022). رویکرد جنایت بار و استکبارآمیز ایالات متحده تا بدان جا پیش رفت که با وضع تحریم‌هایی علیه دادستان دیوان بین‌المللی کیفری و دیگر مقامات رسمی این نهاد، مانع از تحقیق و بررسی در خصوص جنایات بین‌المللی صورت گرفته در افغانستان شد (Human Rights Watch, 2020). این در حالی است که با وجود سابقه طولانی در مبارزه با تروریسم، چنین جنایاتی از سوی جمهوری اسلامی ایران ارتکاب نشد. به نظر می‌رسد این تفاوت ریشه در رویکرد استکباری ایالات متحده آمریکا نسبت به دیگر ملت‌ها دارد.

البته این نکته نیز شایان ذکر است که به تناسب تفاوتی که دو دولت ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران از تعیین مصادیق تروریسم دارند، همان‌طور که در بخش مبانی نظری توضیح داده شد، ممکن است عملیات‌های پهپادی را در راستای اهداف متفاوتی به کار ببرند. با این وجود آنچه در این بخش مدنظر است نشان دادن جایگاه کلیدی سلاح پهپاد در مبارزه با گروه‌های غیردولتی‌ای است که از آن‌ها به تروریست تعبیر شده است.

مثال‌های ذکر شده نشان از آن دارد که پهپاد سلاحی مهم در مبارزه با گروه‌های غیردولتی است؛ اما چرا این سلاح در مقایسه با سلاح‌های دیگر اهمیت پیدا کرده است؟ در مقایسه با سلاح‌هایی همچون جت‌های جنگنده، این سلاح دارای ابعاد کوچک‌تر است و از سرعت مناسبی برخوردار است، بنابراین امکان مانور و همچنین رادارگریزی را برای این پرنده‌های بدون سرنشین افزایش می‌دهد (شانگ، ۲۰۲۲: ۱۰۵). این خصیصه در مبارزه با تروریسم که نیازمند عبور مخفیانه و بدون شناسایی از مرز کشورها است اهمیت بسیاری پیدا می‌کند؛ بنابراین پهپاد می‌تواند به راحتی وارد حریم سرزمینی کشورهایی شود که محل اختفای گروه‌های تروریستی است.

همچنین همواره در استفاده از جت‌های جنگی این خطر وجود دارد که جنگنده مورد هدف قرار گیرد و در نتیجه خلبان‌های آن جان خود را از دست دهند؛ اما در پهپاد که به صورت کنترل از راه دور هدایت می‌شود، در صورت رهگیری پهپاد، جان کنترل‌کننده آن به خطر نمی‌افتد (شانگ، ۲۰۲۲: ۱۰۵). در مقایسه با موشک می‌توان گفت که پهپادها این توانایی را دارند به قدر کافی به اهداف خود نزدیک شده و سپس آن را منهدم کنند. این قابلیت از دو نظر نسبت به موشک برتری دارد. اولاً در جنگ با تروریسم که این گروه‌ها معمولاً در مخفیگاه‌ها به سر می‌برند، نزدیک شدن به هدف، توانایی شناسایی

و هدف‌گیری آن را بیشتر می‌کند. ثانیاً به خاطر نزدیکی بیشتر به هدف امکان شلیک دقیق‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تری را فراهم می‌کند (Megret, 2013: 1283-1284)؛ بنابراین می‌توان در مجموع قائل بود که سلاح پهپاد در مبارزه با پهپاد، جزء کارآمدترین سلاح‌ها است.

جدول ۲. مزیت‌های پهپاد در مبارزه با تروریسم

ردیف	ویژگی گروه‌های تروریستی	مزیت پهپاد
۱	در داخل قلمروی کشوری دیگر حضور دارند	امکان عبور بدون شناسایی از مرز کشورها به خاطر ابعاد کوچک و سرعت بالا
۲	حضور نیروهای تروریستی در مخفیگاه‌ها	امکان نزدیکی به هدف و شناسایی آن
۳	حضور نیروهای تروریستی در میان مردم عادی	امکان قتل (انهدام) هدفمند و دقیق
۴	امکان کشته شدن نیروهای نظامی در حین مبارزه با گروه‌های تروریستی	از راه دور کنترل شدن پهپاد

از آن‌جا که ایالات متحده در استفاده از این سلاح در مبارزه با گروه‌های تروریستی سابقه‌ای نه‌چندان قابل دفاع از کشتار غیرنظامیان و تجاوز به قلمروی دولت‌هایی همچون پاکستان و یمن بر جای گذاشته است، موضوع مشروعیت استفاده از پهپاد تبدیل به یکی از دغدغه‌های مهم در این حوزه شده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۳۱۵-۳۱۶).

از نظر حقوق بر جنگ و توسل به زور استفاده از پهپاد ایجادکننده مسائلی بوده است. به طور مثال آمریکا به دفعات بسیار و به بهانه قتل اعضای گروه القاعده با انجام عملیات پهپادی در خاک یمن و پاکستان حریم سرزمینی این دولت‌ها را نقض کرده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۳۱۷). همان‌طور که در گفتار نخست به تفصیل بیان شد، انجام عملیات نظامی در قلمروی دولت‌های دیگر شرایط ویژه‌ای دارد و

صرفاً تحت عنوان دفاع مشروع و ویژگی‌های خاص آن قابل انجام است. در غیر این صورت دولت‌ها نمی‌توانند دست به عملیات‌های خودسرانه برای از بین بردن تهدیدهای تروریستی در قلمروی دیگر دولت‌ها بزنند. چراکه این کار موجب نقض حق حاکمیت و قاعده منع مداخله در امور کشورهای دیگر است. چنانچه دولتی خود به این قواعد ملتزم نباشد، در واقع به دولت‌های دیگر نیز این مجوز را داده است تا رفتار مشابهی را در قبال او پیاده کنند. از این رو حتی الامکان مبارزه با تروریسم باید در چهارچوب همکاری‌های قضائی-پلیسی میان دولت‌ها صورت گیرد. مگر شرایط دفاع مشروع حاصل شود.

دومین مسئله در خصوص استفاده از پهپاد، از بعد حقوق بشردوستانه در مخاصمات است. با توجه به ویژگی‌های گفته شده از پهپاد به تناسب انتظاری که از رعایت حقوق بشردوستانه در مخاصمات می‌رود نیز افزایش یافته است. چراکه اولاً انتظار می‌رود پهپادها به دلیل امکان کنترل دقیق‌تر از راه دور، تنها در صورت اطمینان کامل به نظامی بودن هدف، حمله کنند؛ ثانیاً این انتظار می‌رود که پهپادها به دلیل ابعاد و توانایی‌های خود که قادرند به اهداف خود نزدیک شوند و با دقت بسیار بالاتری اهداف را مورد اصابت قرار دهند، خسارات جانبی حملات، به غیرنظامیان را، به حداقل ممکن برسانند. گرچه همان‌طور که گفته شد ایالات متحده در این زمینه سابقه چندان قابل دفاعی ندارد.

با وجود امتیازات فراوانی که این سلاح از بعد حقوق بشردوستانه دارد، اما سابقه استفاده از این سلاح توسط آمریکا و نتایج آن، بدبینی بسیاری، در جامعه بین‌الملل، از بعد حقوق بشردوستانه نسبت به استفاده از این سلاح در مبارزه با تروریسم ایجاد کرده است (محمدی، ۱۳۹۹: ۳۳۱). با این وجود باید پذیرفت که صرف استفاده نامناسب از یک سلاح توسط دولتی، نباید مانع استفاده صحیح توسط دیگر دولت‌ها و بهره‌مندی از مزایای آن شود.

به‌طور کلی ۳ اصل اساسی در حقوق بشردوستانه وجود دارد که در عملیات با پهپاد باید به این سه اصل عمل شود: ضرورت، تناسب و تفکیک (McNab & Matthews, 2011: 687). اصل ضرورت ایجاب می‌کند که نیروی نظامی تنها در راستای اقداماتی استفاده شود که برای رسیدن به اهداف عملیات نظامی ضرورت دارد. در این اقدامات نظامی ممکن است آسیب‌هایی جانبی به جان و مال غیرنظامیان نیز وارد آید. این آسیب‌های جانبی باید با هدف نظامی در تناسب باشد. همچنین طبق اصل تفکیک عملیات نظامی همواره باید ناظر به اهداف نظامی، یعنی اهدافی که دارای مزیت نظامی است، محدود

باشد و از حمله به اهداف غیرنظامی اجتناب شود (McNab & Matthews, 2011: 687).

با توجه به ماهیت مبارزه با تروریسم و موقعیت های مخفیانه جغرافیایی این گروه ها، پهباد یکی از مؤثرترین سلاح ها در مبارزه با تروریسم است. ویژگی پهباد آن است که هرچند گروه های تروریستی بخواهند از افراد و اموال غیرنظامی به عنوان سپر انسانی استفاده کنند، همچنان پهباد به دلیل توانایی های عملیاتی خود قابلیت تمیز و تفکیک اهداف را دارد و می تواند صرفاً فرد یا هدف مورد نظر را مورد اصابت قرار دهد؛ که اصطلاحاً به آن «قتل (انهدام) هدفمند» نیز گفته می شود (علیاری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۹).

در مجموع و با تمام این ملاحظات می توان قائل بود که پهباد ابزاری مطلوب چه از حیث نظامی و چه از حیث حقوقی برای مبارزه با گروه های تروریستی است. با این وجود باید به دو مسئله عمده توجه کرد. اول آنکه تنها زمانی از این سلاح در قلمروی دولت های خارجی بهره برد که شرایط دفاع مشروع آن طور که در گفتار نخست توضیح داده شد مهیا باشد. دوم آنکه با توجه به ظرفیت عملیاتی پهباد در دقت و سرعت عمل، باید اصول سه گانه ضرورت، تناسب و تفکیک تا حد بسیار بالایی، به نسبت سلاح های دیگر، رعایت شود.

نتیجه گیری

در مبارزه با گروه های تروریستی فرامرزی، دو مسئله عمده حقوقی بیشترین تأثیرگذاری را دارد: اولاً مشروعیت اصل اقدام نظامی علیه گروه های تروریستی خارج از مرز و ثانیاً نحوه مبارزه و انتخاب سلاح ها و شیوه های مشروع مبارزه با این گروه ها.

در خصوص مسئله اول، به نظر می رسد حقوق حاکم بر توسل به زور، یا همان حقوق بر جنگ، با حملات ۱۱ سپتامبر و بعداً با ظهور و بروز داعش دچار تغییراتی شد. منشور ملل متحد هرگونه استفاده از زور را جز در مقام دفاع مشروع یا اجازه خاص شورای امنیت ممنوع می داند. آنچه که پیش از این وقایع در حقوق بین الملل مسلم بود، حاکی از آن است که تنها در مقابل حملات منتسب به دولت امکان استناد به دفاع مشروع وجود دارد. دلیل این تفسیر نیز آن بود که تنها زمانی که دولتی خود، با واسطه یا بدون واسطه، به دولت دیگر حمله کند، امکان نقض حریم سرزمینی و عملیات نظامی علیه او وجود دارد.

با این وجود با جدی شدن خطر تروریسم پس از حملات ۱۱ سپتامبر، جامعه جهانی امکان دفاع

مشروع در برابر گروه‌های تروریستی را نیز به رسمیت شناخت. آنچه در توجیه حمله آمریکا به افغانستان گفته می‌شود، ارتباط نزدیک و کمک‌های بسیار طالبان به گروه القاعده بود. این اتفاق را می‌توان یک قدم در راستای بسط امکان دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی دانست. طبق این رویه، هرگاه دولتی از گروه‌های تروریستی حمایت کند و قلمروی خود را به پناهگاهی برای این گروه‌ها تبدیل کند، دولت‌های قربانی می‌توانند به استناد دفاع مشروع، در برابر مواضع این گروه‌های تروریستی در قلمروی دولت حمایت‌کننده دست به عملیات نظامی بزنند.

ظهور داعش، به‌عنوان تروریسمی نو و جدید، رویداد دیگری بود که جامعه بین‌المللی را با تهدید جدیدی در برابر تروریسم مواجه کرد. داعش که آمریکا خود در خلق، تجهیز و توسعه آن مشارکت داشت، اولین گروه تروریستی بود که توانست بخش قابل توجهی از قلمروی دولتی را به دست بگیرد. گرچه آمریکا تلاش کرد در مواجهه با داعش معیار «نتوانستن یا نخواستن» را به کار گیرد، اما با اقبال دولت‌ها مواجه نشد. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی توسل به اصل ضرورت در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، راهکار خوبی برای مواجهه با موقعیت‌های خاص این چنینی باشد.

در مجموع می‌توان با توجه به رابطه گروه تروریستی و دولتی که در قلمروی آن مستقر هستند ۳ موقعیت را برشمرد و برای هر یک راهکار مناسب داد: اول زمانی است که دولتی در عملیات‌های گروهی تروریستی مشارکت دارد یا گروه تروریستی از جانب آن دولت اقدام به حمله می‌کند. دوم موقعیتی است که اگرچه دولتی در عملیات‌های گروه تروریستی دخالتی ندارد، اما از آن گروه تروریستی حمایت کرده و قلمروی خود را به پناهگاهی برای آن تبدیل کرده است. سوم نیز زمانی است که دولتی علی‌رغم هیچ‌گونه ارتباط با گروه تروریستی به دلیل ناتوانی نسبی خود نتوانسته است به‌طور کامل مانع عملیات گروه تروریستی داخل در قلمروی خود علیه قلمروی دولت‌های دیگر شود.

به نظر می‌رسد در موقعیت اول و دوم امکان دفاع مشروع و انجام عملیات نظامی در قلمروی خارجی علیه مواضع گروه‌های تروریستی وجود دارد؛ اما نمی‌توان دفاع مشروع در موقعیت سوم را پذیرفت. در این وضعیت باید به همکاری‌های قضایی-پلیسی بین‌المللی متوسل شد و از آن برای مقابله با این گروه‌ها استفاده کرد.

در خصوص روش مبارزه با تروریسم نیز به نظر می‌رسد پهپاد یکی از راهبردی‌ترین سلاح‌ها می‌تواند

باشد. جدا از مزایای نظامی پهپاد، پهپاد به لحاظ حقوق بشردوستانه این قابلیت را دارد که قواعد و اصول حقوق بشردوستانه را که عبارتند از اصل ضرورت، تناسب و تفکیک، به بهترین وجه رعایت کند. از آن جا که رعایت این اصول مخصوصاً در مبارزه با گروه های تروریستی که تمایز و تفکیک آن ها با مردم و اموال غیرنظامی دشوار است، از اهمیت بیشتری برخوردار است، استفاده از پهپاد در مبارزه با تروریسم توصیه می شود.

کتابنامه

الف: منابع فارسی

۱. امینی، واحد. (۱۳۹۰). استراتژی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر ضد تروریسم در خاورمیانه و تأثیر آن بر امنیت نظام بین الملل (از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲)، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل شناسی، ۴۲، ۵۳-۸۶.
۲. تدینی، عباس و سید مصطفی کازرونی. (۱۳۹۴). بررسی قواعد بشردوستانه حاکم بر کاربرد پهپاد در مخاصمات مسلحانه (مطالعه موردی حملات پهپادهای ایالات متحده آمریکا)، نشریه راهبرد، ۷۴، ۱۷۷-۲۰۴.
۳. حسینی زندآبدی، سید حسین و دیگران. (۱۳۹۷). واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین الملل، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۵۳، ۶۷-۸۰.
۴. خبرگزاری رجانیوز. (۱۳۹۴). ایران با شاهد ۱۲۹ داعش را کنترل می کند، قابل دسترسی در (آخرین بازدید در ۳۰ تیر ۱۴۰۳):
۵. خبرگزاری مهر. (۱۴۰۲). ماجرای بمب قلیونی در یکی از عملیات های پهپادی ایران علیه داعش، قابل دسترسی در (آخرین بازدید در ۵ مرداد ۱۴۰۳):
۶. رضایی، نیما و پرتو فتح اله. (۱۴۰۲). بررسی نقش پهپادها در استراتژی نظامی کشورها با بهره گیری از آموزه های استراتژیک سان تزو و کلازویتس: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، نشریه سیاست دفاعی، ۱۲۲، ۱-۳۲. 20.1001.1.10255087.1402.32.122.1.7.
۷. رمضان زاده، علی اکبر و ابوالفضل پاسبان. (۱۴۰۰). واکاوی خط مشی سازمان های منطقه ای و فرامنطقه ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر حقوق بین الملل، نشریه علمی مدیریت و پژوهش های دفاعی، ۹۴، ۸۳-۱۱۰. 20.1001.1.20086121.1400.94.94.4.2.
۸. رنجبر، علیرضا و حمید الهویی نظری. (۱۴۰۱). بازاندیشی در آثار حقوقی نظرات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در پرتو رأی ۲۰۲۱ شعبه ویژه دیوان بین المللی حقوق دریاها در قضیه موریس/مالدیو، مجله حقوق بین المللی، ۶۸، ۱۱۲-۱۴۰.
۹. شانگ، ژو. (۲۰۲۲). «چالش های عملیات پهپادهای مسلح در نقض حقوق بشر». برگردان (ترجمه)

- شهرام جوکار (۱۴۰۱). مجله نخبگان علوم و مهندسی، (۷)، ۱۰۴-۱۱۳.
۱۰. صلح چی، محمدعلی و هیبت الله نژندی منش. (۱۴۰۱). «حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی»، تهران: نشر میزان.
۱۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۰). «حقوق بین الملل بشردوستانه»، تهران: گنج دانش.
۱۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). «حقوق بین الملل عمومی»، تهران: گنج دانش.
۱۳. علیاری تبریزی، بهاء الدین. (۱۳۹۸). قتل هدفمند در آئینه اصول و مبانی حقوق بین الملل، نشریه پژوهش نامه حقوق بشری، ۱۸، ۴۴-۴۳.
۱۴. قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۳۹۴، قابل دسترسی در:
۱۵. کدخدایی، عباسعلی و شهرام زرنشان. (۱۳۸۶). امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم، نشریه پژوهش های حقوقی، ۱۱، ۸۵-۱۲۸.
۱۶. مؤمن، محمد. (۱۳۸۰). جهاد ابتدایی در عصر غیبت، نشریه فقه اهل بیت، ۲۶، ۵۱-۳.
۱۷. محمدی، عقیل. (۱۳۹۹). استفاده آمریکا از هواپیماهای بدون سرنشین در جنگ با تروریسم از منظر حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ، نشریه سازمان های بین المللی، ۱۱، ۳۴۰-۳۱۴.
۱۸. مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ۱۳۹۵، دیدار رئیس جمهوری فنلاند با رهبری انقلاب، مشاهده شده در تاریخ ۹ تیر ۱۴۰۲، قابل دسترسی در:
۱۹. نعمتی وروجنی، یعقوب. (۱۳۹۴). بررسی پدیده ترور و نفی و محکومیت آن از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، (۷)، ۷۷-۹۸.
۲۰. همشهری آنلاین. (۱۳۹۱). آشنایی با بهپاد پردیتور، قابل دسترسی در (آخرین بازدید در ۵ مرداد ۱۴۰۳):

ب: منابع خارجی و وبگاه های اینترنتی

1. Armed Activities on the Territory of Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, ICJ Reports 2005, p. 168.
2. Bateman, Kate. (2022). In Afghanistan, Was a Loss Better than Peace? United States

- Institute of Peace, available at: <https://www.usip.org/publications/2022/11/afghanistan-was-loss-better-peace> (last access in November 7th, 2024)
3. Brunnee, Jutta & Stephen J Toope. (2018). Self-Defence Against Non-State Actors: Are Powerful States Willing But Unable to Change International Law? *International and Comparative Law Quarterly*, 67, 263–286.
 4. Byers, Michael. (2002). Terrorism, the Use of Force and International Law after 11 September, *The International and Comparative Law Quarterly*, 51(2), 401–414.
 5. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), merits, Judgment, 2023, available at: <https://www.icj-cij.org/sites/default/files/case-related/164/164-20230330-JUD-01-00-EN.pdf>.
 6. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objection, Judgment, ICJ Reports 2019, p. 7.
 7. Chengu, Garikai. (2014). America Created Al-Qaeda and the ISIS Terror Group, *Global Research*, available at: <https://www.globalresearch.ca/america-created-al-qaeda-and-the-isis-terror-group/5402881> (last access in November 7th, 2024)
 8. Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, opened for signature 9 December 1999, 2178 UNTS 197 (entered into force 10 April 2002).
 9. Green, James. (2009). *The International Court of Justice and Self-Defence in International Law*. Oxford: Hart Publishing.
 10. Guillaume, Gilbert. (2004). Terrorism and International Law. *International and Comparative law Quarterly*, 53(3), 537–548.
 11. Human Rights Watch. (2020). US Sanctions on the International Criminal Court, available at: <https://www.hrw.org/news/2020/12/14/us-sanctions-international-criminal-court> (last access in November 7th, 2024)
 12. ICJ Statute, signed: 26 June 1945, (entered into force: 24 October 1945). https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=I-1&chapter=1&clang=_en#1.

13. Jeager, David & Zahra Siddique. (2018). Are Drone Strikes Effective in Afghanistan and Pakistan? On the Dynamics of Violence between the United States and the Taliban, CESifo Economic Studies, 64(4), 1-31.
14. Jang, Heeyong Daniel. (2013). The Lawfulness of and Case for Combat Drones in the Fight against Terrorism, National Security Law Journal, 2(1), 1-42.
15. Kolb, Robert. (1997). Origin of the twin terms jus ad bellum/jus in bello, International Review of the Red Cross, 37, 553-562.
16. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory (Wall Opinion), Advisory Opinion, ICJ Reports 2004, p. 136.
17. Letter dated 23 September 2014 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the Secretary-General, UNSCOR, UN Doc S/2014/695. <https://digitallibrary.un.org/record/779957?ln=en&v=pdf>.
18. McNab, Molly & Megan Matthews. (2011). Clarifying the Law Relating to Unmanned Drones and the Use of Force: The Relationships between Human Rights, Self-Defense, Armed Conflict, and International Humanitarian Law, Denver Journal of International Law & Policy, 39(4), 661-694.
19. Megret, Frederic. (2013). The Humanitarian Problem with Drones, Utah Law Review, 5, 1283-1319.
20. Merrills, J. G. (2011). International Dispute settlement. New York: Cambridge University Press.
21. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986, p. 14.
22. O'Connell, Mary Ellen. (2002). Lawful Self-Defense to Terrorism, University of Pittsburgh Law Review, 63, 889-908.
23. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II (Part two), Doc A/56/49(Vol. I)/Corr.4.

24. Ronzitti, Natalino. (2006). The Expanding Law of Self-Defence, *Journal of Conflict & Security Law*, 11(3), 343–359.
25. Schmid, Alex. (2011). The Definition of Terrorism, 39–158. in ed. Alex P. Schmid. *The Routledge Handbook of Terrorism Research*. New York: Routledge.
26. Stahn, Carsten. (2006). ‘Jus ad bellum’, ‘jus in bello’ ... ‘jus post bellum’? –Rethinking the Conception of the Law of Armed Force, *European Journal of International Law*, 17(5), 921–943.
27. Trapp, Kimberley N. (2011). *State Responsibility for International Terrorism*. Oxford: Oxford University Press.
28. UN Charter, signed: 26 June 1945, (entered into force: 24 October 1945). https://treaties.un.org/pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=I-1&chapter=1&clang=_en#1.
29. UN Security Council Res 1368 (12 September 2001), S_RES_1368(2001)–EN. <https://digitallibrary.un.org/record/448051>.
30. UN Security Council Res 1373 (28 September 2001), S_RES_1373(2001)–EN. <https://digitallibrary.un.org/record/449020?ln=en>.
31. United Nations General Assembly Res 3314 (XXIX), ‘Definition of Aggression’ (14 December 1974) UN Doc A/RES/3314 (XXIX).
32. Wedgwood, Ruth. (2005). The ICJ Advisory Opinion on the Israeli Security Fence and the Limits of Self-Defense, *American Journal of International Law*, 99, 52–61.
33. Wood, Micheal. (2020). Terrorism and the International Law on the Use of Force, 180–192. in ed. Ben Saul. *Research Handbook on International Law and Terrorism*. Northampton: Edward Elgar Publishing.